

## مصاحبه با کریستف آگیتون پس از تظاهرات جنوا (ایتالیا)

کریستف آگیتون یکی از بنیانگذاران سندیکای *SUD-PTT*، سخنگوی جنبش بیکاران و هم اکنون مسئول بین المللی انجمن *Attac* در فرانسه است.

**هفته نامه Charlie Hebdo: جنبش های ضد جهانی شدن که قاطعانه شیوه های غیر خشونت آمیز را برگزیده اند، آیا می توانند خشونتگراترین گروه ها را منزوی سازند و تلاش دولت ها را برای آنکه این بسیج عمومی را جرم معرفی نمایند خنثی کنند؟**

– کریستف آگیتون: هرچند برای آنکه تظاهر کنندگان مسالمت جو بتوانند راه پیمایی کنند حضور نیروهای انتظامی لازم است، اما، اگر پلیس، همانطور که در جنوا دیدیم، بخواهد به هر وسیله ای تظاهرات را بر هم بزند این اقدامات ثمری نخواهد داشت. همه کسانی که در این باره شهادت داده اند حرفشان با هم جور در می آید: پلیس خشونتگراترین عناصر را واگذاشت تا خود را طی سه ساعت آماده کنند، مسلح شوند، در حالی که خود پلیس با خشونت بی حد به صف تظاهرات کنندگان مسالمت جو حمله کرد. تنها کاری که باید کرد مرزبندی با عناصر خشونتگرا هم از نظر سیاسی و هم عملی ست. این امر، فکر می کنم، در جنوا صورت گرفت و فقط برلوسکونی و دولتش هنوز خود را مجاز می دانند که بین تظاهر کنندگان و عناصر خشونتگرا فرق قائل نشوند.

**از سیاتل به بعد، از لحاظ تظاهر کنندگان و نیز از لحاظ تأثیراتی که تظاهرات بر نهادهای سیاسی داشته چه تغییراتی رخ داده است؟**

– جنبش هم اکنون جهانی شده است. امروز، هیچ کنفرانسی از سران دول یا «متنفذین جهان» نیست که تشکیل شود بدون آنکه ده ها هزار نفر در همانجا علیه آن به تظاهرات دست زنند. و هر بار شمار ما رو به افزایش است. در مورد نهادها مسأله پیچیده تر است. در جنوا، ژاک شیراک [رئیس جمهور فرانسه] – حتی اگر مشغولیت ذهنی اش مصالح انتخاباتی بوده – همان واکنشی داشت که کلینتون در سیاتل. آن ها گفتند نگرانی تظاهر کنندگان را «درک می کنند». اما این موضع همه رؤسای کشورها نبود، به خصوص که بین این «درک کردن» و آن پاسخ سیاسی که تظاهر کنندگان انتظار دارند هنوز راه بسیار درازی در پیش است. اما انتظارات تظاهر کنندگان چیست: لغو بدهی های کشورهای جهان سوم، اقداماتی برای آنکه «اخراج های مبنی بر ملاحظات بورسی» دیگر امکان پذیر نباشد، برقراری عوارض (تاکس) تابین، ممنوعیت دستکاری های ژنتیکی گیاهان و غیره.

**برآیند تفاوت ها یعنی همگرایی ها و واگرایی ها بین گروه های مبارزی که از فرهنگ های سیاسی و سنت های ملی ناهمگون منشأ گرفته اند چیست؟**

امروز گرایش عمومی به سوی نزدیک شدن به یکدیگر و به ائتلاف ها ست. نیروهایی که خود را در این پیکارها درگیر نمی دیدند مانند سازمان عفو بین المللی که وظیفه خود را محدود به دفاع از زندانیان عقیدتی می کرد، امروز متوجه شده اند که برای جلوگیری از وقوع فاجعه های انسانی از آن گونه که در آفریقا شاهدیم، مبارزه با «جهانی شدن لیبرالی» امری ست اجتناب ناپذیر. معنای این سخن این نیست که همه جنبش ها در هم ذوب می شوند و هویت خود را از دست می دهند، بلکه هر یک در عین حفظ هویت خود به ضرورت مبارزه مشترک آگاه است زیرا آنچه مورد اتهام و بررسی ست کل سیستم جهانی یعنی این مرحله خاص سرمایه داری ست که ما آن را «جهانی شدن لیبرالی» می نامیم.

**آیا طی بحث های جاری می توان عناصری از پروژه و برنامه بدیل را تشخیص داد که طرح آن ها**

## آغاز شده باشد؟ و بالاخره اینکه برای کسانی که به دفاع از «دولت - ملت» چسبیده اند، چقدر گوش شنوا وجود دارد؟

در جنبشی واقعاً جهانی که ما امروز شاهد آنیم پاسخ های ملی گرا برد بسیار کمی دارند. اما پاسخ های الترنتیو بر اساس خواست ها و در بسیج ها و تجمع های بزرگ بین المللی تکوین خواهد یافت. در چنین مناسبت هایی ست که نظرات ما، مبارزان از شمال و از جنوب، فمینیست ها، سندیکالیست ها، اعضای سازمان های غیر دولتی یا احزاب سیاسی در برابر یکدیگر قرار می گیرند. اجلاس آینده فوروم اجتماعی جهانی در پورتو الگره، که در پایان ژانویه ۲۰۰۲ برپا می شود برای درس هایی که می توان از تظاهرات جنواگرفت و نیو زتدارک ابتکارات آتی بسویار با اهمیت است.

(از هفته نامه فرانسوی شارلی هبدو، اول اوت ۲۰۰۱)